

## عوامل قدرت در تشکل‌های مهدوی مبتنی بر اندیشه مهدویت

رضا ابروش<sup>۱</sup>

### چکیده

«قدرت» ظرفیتی است برای مدیریت کنش‌های اجتماعی؛ لذا به منظور هرگونه تأثیرگذاری بر جامعه هدف و مخاطبان، باید قدرت آن نیز مهیا باشد. تشکل‌های مهدوی برای تحقق تمدن مهدوی به ایجاد و تقویت این ظرفیت اجتماعی نیازمند هستند. هدف این پژوهش شناسایی عوامل ایجاد و تقویت قدرت در تشکل‌های مهدوی می‌باشد. در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل مضامین، عوامل قدرت در تشکل‌های مهدوی مورد شناسایی قرار می‌گیرند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد عواملی که موجب افزایش و تقویت قدرت در تشکل‌های مهدوی می‌شوند، عبارتند از: ایمان و اعتماد به خدا، گفت‌وگو، اتحاد و همبستگی گروهی، توسعه روابط و حسن تعامل و دانش و تخصص.

**واژگان کلیدی:** قدرت، تشکل‌های مهدوی، عوامل قدرت‌زا، فرایند دورانی قدرت، مؤلفه‌های قدرت.

## مقدمه

«قدرت»، به عنوان یکی از مفاهیم بنیادی در مدیریت، در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نقشی محوری ایفا می‌کند. یکی از عرصه‌های برجسته‌ای که مفهوم قدرت در آن جلوه‌ای خاص می‌یابد، تشکل‌های دینی و مذهبی است. تشکل‌های مهدوی، به عنوان نهادهایی که با محوریت انتظار و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل گرفته‌اند، در هدایت جامعه و تقویت فرهنگ انتظار نقشی اساسی دارند. این تشکل‌ها با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، تلاش می‌کنند جامعه را به سوی عدالت‌خواهی و آمادگی برای ظهور هدایت و بستر مناسبی برای تحقق این اهداف فراهم کنند. از این رو، قدرت در این تشکل‌ها تأثیر چشمگیری بر اثربخشی و کارآمدی آن‌ها در جامعه دارد.

در حالی که قدرت در سازمان‌های معمول، عمدتاً ساختاری و سلسله‌مراتبی است، تشکل‌های مهدوی به دلیل ماهیت اجتماعی و مذهبی خود، از این الگو پیروی نمی‌کنند. قدرت در این تشکل‌ها نه صرفاً مدیریتی یا سیاسی، بلکه بر ارزش‌های دینی و معنوی مبتنی است. این نوع قدرت علاوه بر هدایت و پیشبرد اهداف دینی، معیاری برای سنجش مشروعیت و کارآمدی این نهادها به شمار می‌رود.

مسئله اصلی در این پژوهش، شناسایی عوامل قدرت در تشکل‌های مهدوی بر اساس آموزه‌های مهدوی می‌باشد. فهم نادرست از عوامل قدرت می‌تواند تشکل‌های مهدوی را به رفتارهای ناهنجار و غیراخلاقی به منظور ایجاد و تقویت قدرت درگیر کند. به همین دلیل، پژوهشی مبتنی بر تعالیم مهدوی که می‌توان از آن‌ها عوامل قدرت را احصا کرد، ضروری است. هدف این پژوهش نیز شناسایی عوامل قدرت در تشکل‌های مهدوی است. از این رو، این سؤال در این پژوهش مطرح می‌شود که عوامل قدرت در تشکل‌های مهدوی چیست؟ هدف نهایی شناسایی و ارائه عوامل قدرت در تشکل‌های مهدوی و افزایش کارآمدی آن‌ها در تمدن سازی مهدوی است.



### ۱. قدرت

«قدرت»، به معنای توانایی یا استعداد وادار کردن دیگران به رفتار کردن به شیوه مطلوب در تعاملات انسانی است (پورتر و دیگران، ۱۳۹۳: ص ۶۳). توانایی بالقوه فرد یا گروه برای نفوذ در فرد یا گروه دیگر را قدرت گویند (مورهد و گریفین، ۱۳۹۲: ص ۳۸). در واقع قدرت فرایندی است که از طریق آن می‌توان رفتار و نگرش دیگران را تغییر داد (پورتر و دیگران، ۱۳۹۳: ص ۶۱). بنابراین، قدرت، ظرفیتی است که در افراد و گروه‌ها برای اعمال نفوذ و تأثیرگذاری بر جامعه هدف و مخاطبان نهفته است (همان، ص ۶۱). استفاده از قدرت به شکل‌های مهدوی اجازه می‌دهد تا بر رفتار و نگرش مخاطبان از طریق کنش‌هایی که انجام می‌دهند، تأثیرگذار باشند.

### ۲. تشکل‌های مهدوی

«تشکل» به معنای صورت گرفتن و شکل گرفتن چیزی است (معین، ۱۳۸۸: ج ۴، ص ۱۱۴). در اصطلاح به معنای تشکیل دادن یک جمع برای دستیابی به اهداف خاص می‌باشد. تشکل‌ها از جمله ارکان ساختاری مدرن امروزی هستند که زمینه دخالت شهروندان و مردم را در کنش‌های اجتماعی و فرهنگی مهیا می‌سازند. تشکل‌ها به وسیله مشارکت مردم به وجود می‌آیند و تمام فعالیت‌های شان داوطلبانه و از روی عشق و علاقه شکل می‌گیرد. تشکل، مصداق سازمان‌های غیررسمی است (فیوضات و مهدوی، ۱۳۸۵: ص ۸۴). امروزه برای تحقق اهداف مهم اجتماعی، نمی‌توان به صورت انفرادی اقدام کرد. کنش‌های انفرادی در مقایسه با کنش‌های جمعی که در قالب تشکل‌ها بروز و ظهور می‌یابند، ناکارآمد و فاقد اثربخشی‌های لازم هستند. بنابراین، امروزه کنشگری در عرصه‌های مختلف به ایجاد و تقویت تشکل‌ها نیازمند می‌باشد. تشکل مهدوی به آن دسته از مجموعه‌هایی اطلاق می‌شود که داوطلبانه و برمبنای علاقه وارد کنش‌های فرهنگی و اجتماعی می‌شوند و از این طریق زمینه ایجاد جامعه مهدوی را مهیا می‌سازند. به استناد روایتی از امام علی علیه السلام که فرمودند: «وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۷، ص ۲۲۹)؛ اعضای تشکل‌های مهدوی کنش‌گرانی هستند که در زمان غیبت ایشان در جامعه نقش‌آفرینی و زمینه تحقق یک جامعه آرمانی منتظر را ایجاد می‌کنند.



## پیشینه پژوهش‌های مرتبط با قدرت

«قدرت» از مفاهیم پرکاربرد در عرصه‌های اجتماعی، به ویژه حوزه مدیریت و سازمان است. اهمیت آن باعث شده تا پژوهشگران به تحلیل و بررسی این مفهوم بپردازند. با بررسی‌های انجام شده، مطالعه قدرت به اولین تلاش‌ها برای تعریف بخشی از علوم اجتماعی برمی‌گردد. اما دهه ۱۹۳۰ آغاز بخش اعظم مطالعات جدید در مورد قدرت در محیط‌های سازمانی بوده است. از آن پس، کانون تمرکز پژوهش‌ها به طور گسترده‌ای تغییر کرد. برخی بر شالوده جامعه شناختی تمرکز دارند؛ مانند راسل: ۱۹۳۸، کارترایت: ۱۹۶۵، فالت: ۱۹۴۲، می: ۱۹۷۲ و کروزیبر: ۱۹۶۴. برخی قدرت را از منظر سیاسی مورد بررسی قرار دادند. مانند میلز: ۱۹۵۷، دال: ۱۹۵۷ و هانتز: ۱۹۵۹. برخی دیگر رویکردی رفتاری به قدرت دارند. مانند: وبر: ۱۹۶۸، هومانز: ۱۹۵۰، فرنچ و ریون: ۱۹۵۹، کارترایت: ۱۹۶۵، تیبات و کلی: ۱۹۵۹. برخی رویکردی روانی به قدرت دارند مانند: مک کله‌لند: ۱۹۷۵ و وینتر: ۱۹۷۳. و برخی قدرت را با نگرش ساختاری و سازمانی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ مانند: اتزیونی: ۱۹۶۱، اسمیت و تاننهام: ۱۹۶۳، کروزیبر: ۱۹۶۴، مک کینی و هاروارد: ۱۹۷۹ و ففر: ۱۹۸۱.

با بررسی‌های انجام شده در مطالعات مرتبط با قدرت، پژوهشی که به طور خاص به موضوع قدرت و عوامل آن در شکل‌های مهدوی پرداخته باشد، مشاهده نگردید.

## تفاوت قدرت از دیدگاه اسلام و غرب

قدرت، در طول تاریخ و در جوامع گوناگون، تعاریف و کاربردهای متنوعی یافته است. اسلام و غرب، به عنوان دو تمدن با ریشه‌های فرهنگی و تاریخی متفاوت، دیدگاه‌های متمایزی نسبت به ماهیت و کارکرد قدرت ارائه می‌کنند. در حالی که در غرب نیز تنوع دیدگاه‌ها درباره قدرت وجود دارد، پارادایم پوزیتیویستی به طور غالب بر ساختارهای اجتماعی و نهادهای غربی سایه افکننده و نگرش غالب غرب را شکل داده است. جدول شماره (۲) برخی از مهم‌ترین تفاوت‌های مفهوم قدرت در اسلام و جوامع غربی را به صورت خلاصه نشان می‌دهد.



جدول شماره ۲. جدول مقایسه و تفاوت قدرت از دیدگاه اسلام و غرب

غرب	اسلام	
منبع قدرت اراده و خواست انسان است	خداوند منبع اصلی قدرت است	منبع قدرت
نفوذ بردیگران، کسب ثروت و حفظ نظم اجتماعی هدف از کسب قدرت در مکاتب غربی است	اجرای عدالت و خدمت به خلق و تقرب به خداوند	هدف از کسب قدرت
تمرکز بر قدرت مادی است	معنوی و مادی توأمان استفاده می‌شود	نوع قدرت
قوانین و توافقات بین المللی محدودیت برای قدرت محسوب می‌شود	قوانین الهی و اخلاق محدودکننده قدرت هستند	محدودیت‌ها
ابزاری برای دستیابی به اهداف	قدرت امانت است برای خدمت و تقرب	رویکرد

تفاوت دیدگاه اسلام و غرب در مفهوم قدرت، فراتر از تعاریف نظری است و در ساختارها، سازمان‌ها و حتی تشکل‌های اجتماعی نیز نمود پیدا می‌کند و به ویژه در بحث تشکل‌های مهدوی، که در اندیشه اسلامی ریشه دارند، مفهوم قدرت باید با توجه به ماهیت و اهداف این تشکل‌ها بازتعریف و مورد بررسی قرار گیرد.

### عوامل و منابع قدرت

یکی از موضوعات مورد توجه در مطالعات قدرت، عواملی است که منشأ ایجاد و ازدیاد قدرت می‌باشد. عمده مطالعات انجام شده در عوامل قدرت، به قدرت در سازمان‌ها و ساختارهای اداری معطوف است. در برخی از مطالعات دو دسته کلی از عوامل قدرت‌آفرین در سازکارهای سازمانی مطرح می‌شود: قدرت مقام که بر جایگاه سازمانی افراد مبتنی است و قدرت شخصی که به ویژگی‌های شخصی افراد وابسته است (پورتر و دیگران، ۱۳۹۳: ص ۱۶). جدول شماره (۳) هر یک از عوامل قدرت و منبع آن را نشان می‌دهد:



جدول شماره ۳. منابع قدرت

منبع قدرت	عوامل قدرت	توضیح و تعریف قدرت
قدرت مقام	قدرت پاداش	قدرتی است که فرد توانایی پیشنهاد و ارائه پاداش در قبال اطاعت و فرمان برداری شخص دیگر را دارد.
	قدرت اجبار	قدرتی که فرد با استفاده از ابزارهای سازمانی می‌تواند فرد خاطی را تنبیه کند.
	قدرت مشروع	قدرتی که سازکارهای رسمی و سازمانی به افراد می‌دهد؛ مانند قانون که به مدیر اجازه می‌دهد بر عملکرد کارکنانش نظارت کند.
قدرت شخصی	قدرت مرجعیت	وقتی فردی از ظرفیتی برخوردار می‌شود که دیگران برای حل مسائل و مشکلات خود به او روی می‌آورند، «قدرت مرجعیت» گفته می‌شود.
	قدرت تخصص	افرادی که دارای دانش و تجربه هستند و موجب وابستگی دیگران به آن‌ها می‌شود دارای «قدرت تخصص» هستند.

### روش پژوهش

این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی محسوب می‌شود. یافته‌های مطالعات کیفی دستاورد نگرش عمیق به حوزه مورد مطالعه است (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶: ص ۱۳). در این پژوهش، برای تبیین ماهیت قدرت در اسلام و عوامل قدرت‌آفرین در تشکلهای مهدوی، با مراجعه به تعالیم اسلامی، به‌ویژه مفاهیم مرتبط با اندیشه مهدویت، داده‌هایی که دربردارنده مفهوم قدرت و مرتبط با آن است، احصا گردید. برای یافتن داده‌های مورد نیاز می‌توان با تمرکز بر «مفاهیم حساس» مطالعات خود را در زمینه موضوع پژوهش آغاز کرد. این مفاهیم در کنار حساسیت نظری پژوهشگر، مسیر گردآوری داده‌ها را مشخص می‌نماید (محمد پور، ۱۳۹۲: ص ۳۲۳). توجه به مفاهیم حساس و «حساسیت نظری»<sup>۱</sup> می‌تواند مرحله آغاز برای جست‌وجو



۱ . Theoretical sensitivity

در بین داده‌ها را فراهم سازد (چارماز، ۲۰۰۶: ص ۶۸). منظور از «حساسیت نظری» توجه ویژه‌ای است که پژوهشگر همزمان به وجوه مختلف موضوع پژوهش دارد. به همین دلیل به توانایی پژوهشگر در یافتن سرخ‌ها و جزئیات در داده‌ها برمی‌گردد. به عبارت دیگر، حساسیت نظری باعث می‌شود تا پژوهشگر از لحظه ورود به مرحله داده‌یابی و مطالعه منابع و حتی تحلیل و کدبندی داده‌ها همواره حساس باشد. به همین دلیل از زوایای گوناگون به داده‌ها، تحلیل، مفاهیم و مقوله‌ها می‌نگرد. در این صورت است که ایده‌های اولیه شکل می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۳۲۴). برخی از مهم‌ترین مفاهیمی که به عنوان مفاهیم حساس در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت، عبارتند از: «قدرت»، «علو»، «عزت»، «قوت»، «سلطه»، «ملک»، «استقامت»، «ایمان» و «قوی» و البته حساسیت نظری موجب شد تا برخی از مفاهیم و تعالیم اسلامی دیگر که به نوعی با موضوع قدرت در این پژوهش مربوط بود؛ مورد استفاده قرار گیرند. همچنین روایاتی که به ویژگی‌های یاران حضرت ناظر می‌باشد در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته و در فرایند کدگذاری مورد استفاده قرار می‌گیرند.

پس از گردآوری اطلاعات، داده‌ها با روش تحلیل مضامین، مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در گام نخست، مضامین پایه از گزاره‌های دینی ایجاد می‌شوند و سپس بر اساس قاعده مقایسه و مشابهت (محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۳۳۳) از چندین مضمون پایه مشابه، یک مضمون سازمان دهنده ایجاد می‌شود. در ادامه کدها و مفاهیم متداخل (چارماز، ۲۰۰۶: ص ۵۷)؛ در قالب مضامین فراگیر ظاهر می‌شوند. در این پژوهش، با بررسی گزاره‌های گردآوری شده از تعالیم اسلامی، و سه مرحله کدگذاری، در نهایت سه مضمون عقل، اراده و ایمان به عنوان عناصر قدرت در اسلام مورد شناسایی قرار گرفت و مضامین فراگیر: ایمان و اعتماد به خدا، گفتمان‌سازی، اتحاد و همبستگی گروهی، توسعه روابط و حسن تعامل و دانش و تخصص به عنوان عوامل قدرت در تشکل‌های مهدوی شناسایی شد. در جدول شماره (۴) فرایند احصا عناصر قدرت در اسلام و عوامل قدرت در تشکل‌های مهدوی نمایش داده می‌شود.



جدول شماره ۴. مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر

گزاره‌ها	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	یافته‌ها
عوامل قدرت در شکل‌های مهدوی	ایمان و اعتماد به خدا	تأثیر عوامل معنوی	صبوری موجب غلبه می‌شود	«إِنَّ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا»
			تأثیر دل‌های مستحکم بر قدرتمندی	«رِجَالٌ... لَا يَشْوِمُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ»
		یاد خدا و اعتماد به او	یاد خدا مایه آرامش است	«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»
			توکل بر خدا کفایت امور می‌نماید	«مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»
	گفتمان سازی	تبیین مهدویت و موعود	گفتمان موعودگرایی	«إِنَّ الْقَائِمَ مِمَّا هُوَ الْمُهْدِي»
			ترسیم آینده و موعود	«وَاسْتَقْبِدْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الدَّلِيلِ وَانْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ»
		همراه‌سازی افراد جامعه	هواخواهان مهدوی	«طُوبَى لِمُتَّقِينَ عَلَى مَحْجَتِهِمْ أَوْلِيَاكَ وَصَفَّهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَقَالَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»
			یاوران مهدوی	«وَهُمْ أَنْصَارُ الْمُهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»
	اتحاد و همبستگی گروهی	اتحاد و انسجام	اجتماع بر حول یک محور	«يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ»
			دعوت مردم بر محور قرآن و سنت نبوی و ولایت علوی	«يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ»
		همبستگی	دوستی با یاوران حضرت	«طُوبَى... وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ؛ خُوشَا بِ احوال کسی که دوستان قائم را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد.»
			بیزاری از دشمن اجتناب از تفرقه	«وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِ حَتَّى إِذَا بَلَغَ إِلَى التَّغْلِيْبَةِ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ صُلْبِ أَبِيهِ» «وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ»



گزاره‌ها	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	یافته‌ها
«أَكْمَلْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»	حسن رفتار	حسن تعامل	توسعه روابط و حسن تعامل	
«لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمًا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَ لَذَهَبَتِ السَّخْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛ كَيْنِه وَ دَشْمَنِی از دل‌های بندگان رخت برمی بندد.»	از بین رفتن دشمنی در روابط			
«مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ»	حسن خلق در رفتار			
«عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاضُعِ وَ التَّبَادُلِ»	گسترش روابط	توسعه تعاملات		
«فَالْقَوْمُ بِطَلَاقِهِ الْوَجْهِ وَ حُسْنِ الْبَشْرِ»	تعامل سازنده			
«سَلِّكْ بِكُمْ مَنَاهِجَ الرَّسُولِ ﷺ فَتَدَاوَيْتُمْ مِنْ الْعَتَى وَ الصَّمَمِ وَ الْبِكَمِ»	روشنی بینش و درک	رفع گمراهی و ایجاد روشنی بینش	دانش و تخصص	
«يُفْتَحُ حُصُونُ الصَّلَاةِ وَ قُلُوبًا غَفْلًا»	از بین رفتن گمراهی			
«الْعِلْمُ سُطْرَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالَ بِهِ»	علم مظهر قدرت است	برتری علم و دانش		
«لِيُرْفَعَ عَنِ الْمَلَلِ وَ الْأَدْيَانِ الْإِخْتِلَافِ وَ يَكُونَ الدِّينَ كُلَّهُ وَاحِدًا»	فهم و علم مشترک			

## عوامل قدرت در تشکل‌های مهدوی

«تشکل‌های مهدوی» به عنوان یکی از ساختارهای کنشگر فعال در حوزه مهدویت به منظور دستیابی به اهداف خود به آشنایی با سازکار قدرت و استفاده از ظرفیت عوامل قدرت‌آفرین نیازمند هستند. نقش قدرت را نمی‌توان در کنشگری‌های اجتماعی نادیده انگاشت و البته نباید آن را به قدرت‌های سازمانی نیز منحصر کرد. این عبارت معروف است: «قدرت چیزی است که همه می‌خواهند از آن برخوردار باشند؛ ولی نمی‌دانند دقیقاً چیست.» به همین دلیل، هر فرد یا گروهی ممکن است درک خاصی از قدرت و منابع قدرت و عوامل قدرت‌آفرین داشته باشد. اگر تبیین درستی از قدرت ارائه نشود، به دلیل کارکردهای غیرعادلانه می‌تواند پدیده‌ای شوم و نادرست از آن تلقی شود. قدرت وقتی در مسیر عدالت و تعالی قرار نگیرد، امکان سوء استفاده



از آن توسط افراد و گروه‌ها وجود دارد. این رویکرد ناصواب و نادرست به قدرت می‌تواند زمینه ساز انزجار و استبعاد تشکل‌های مهدوی از قدرت و عوامل قدرت‌آفرین باشد؛ در حالی که تشکل‌های مهدوی برای تحقق جامعه تمدنی مبتنی بر اندیشه‌های مهدوی نقش مهمی ایفا می‌کنند و در این بین به ایجاد و توسعه قدرت در خود نیازمند هستند. لذا اگر درک درستی از عوامل قدرت ارائه نشود، ممکن است این عوامل هیچ‌گاه شناخته نشوند و مورد استفاده تشکل‌های مهدوی قرار نگیرند و بالتبع زمینه شکست آن‌ها را فراهم می‌سازد. در واقع تشکل‌های مهدوی به منظور تحقق عدالت به بسط تمدن مهدوی در جامعه نیازمند هستند و این جز از طریق کنش‌های مبتنی بر قدرت محقق نخواهد شد. همانطور که معتقدان به ظهور و عدالت اجتماعی خود را خدمتگذار مردم می‌دانند (شالچی، ۱۳۸۸: ص ۳۱۷)؛ باید برای ارائه خدمات اجتماعی نیز دارای قدرت متناسب با اندیشه‌های مهدوی باشند. لذا تبیین عوامل قدرت مورد نیاز در تشکل‌های مهدوی می‌تواند زمینه بکارگیری آن‌ها را برای تشکل‌ها مهیا سازد؛ در غیر این صورت به صرف الگوگیری از نظریه‌ها و تجربیات قدرت‌های ساختاری مطرح در علوم انسانی غربی، نه تنها زمینه توسعه و تعالی تشکل‌های مهدوی را مهیا نمی‌سازد، بلکه می‌تواند عامل انزوا و شکست آن‌ها در فعالیت‌های تمدن مهدوی گردد. درک درست از ماهیت قدرت برای تشکل‌های مهدوی مبتنی بر تعالیم اسلامی؛ ضرورتی انکارناپذیر است. با بررسی‌های انجام شده، مطالعات قدرت صرفاً رویکردی جامعه‌شناختی، سیاسی، رفتاری-روانی و ساختاری دارند. برآیند این مطالعات تمرکز بر قدرت جنبه ابزاری دارد که مسیر پیشبرد اهداف را هموار می‌سازد. از سوی دیگر با توجه به برخی از مطالعات انجام شده در مورد اندیشه مهدویت، موضوع قدرت به صراحت مورد توجه قرار نگرفته است، بلکه به طور ضمنی می‌توان مواردی را مشاهده کرد که حکایت از قدرتمندسازی رهروان و یاوران مهدوی است و البته تمرکز آن‌ها بر قدرت فردی از طریق پالایش روح و طهارت نفسانی است. با بررسی‌های انجام شده در تعالیم اسلامی، عواملی برای ایجاد و تقویت قدرت در تشکل‌های مهدوی وجود دارد که استفاده از آن‌ها می‌تواند تشکل‌ها را در ارائه خدمات برای تحقق تمدن مهدوی یاری رساند. تشکل‌های مهدوی می‌توانند از پنج عامل برای ایجاد قدرت در فعالیت‌های خود بهره‌جویند. دانش و تخصص زمینه حضور عالمانه تشکل‌ها را در جامعه مهیا می‌سازد. این عامل می‌تواند زمینه

تقویت ماهیت قدرت در تشکل‌های مهدوی شود. عامل دیگر که ایمان و اعتماد به خداوند متعال است؛ زیرساخت‌های لازم را برای قدرت فراهم می‌سازد. اعتماد و ایمان به خدا باعث آرامش قلبی برای تشکل‌های مهدوی در رویارویی با شرایط سخت و پرچالش است. گفتمان‌سازی نیز به عنوان یکی از عوامل ایجاد قدرت در تشکل‌های مهدوی زیرساخت‌های لازم برای تحرک، تلاش و تکاپو را مهیا می‌سازد. گفتمان‌ها، مشارکت و همراهی مخاطبان و افراد را با تشکل‌ها به همراه دارند و این همراهی مقدمات تقویت اراده و فرایند تکاپو و تلاش جمعی را رقم خواهد زد. عامل دیگر از عوامل قدرت در تشکل‌های مهدوی، اتحاد و همبستگی اعضای تشکل است. وقتی اتحاد و همبستگی در بین اعضای تشکل تبلور یابد، اراده جمعی شکل می‌گیرد و قدرت جمعی را به دنبال خواهد داشت. تشکل‌های مهدوی در مسیر تعالی و جامعه تمدنی نیازمند اراده جمعی هستند که این اراده جمعی به همبستگی و اتحاد و همبستگی اعضای تشکل و جامعه مخاطب نیازمند است. عامل دیگری که در قدرت‌آفرینی تشکل‌های مهدوی ایفای نقش می‌کند، توسعه روابط و حسن تعامل است. همان‌طور که بیان شد، اراده به عنوان یکی از عناصر قدرت در تشکل‌های مهدوی می‌تواند از گفتمان‌ها آغاز شود و با اتحاد و همبستگی شدت یابد؛ اما آنچه نباید مغفول واقع شود، در فضای جمعی و اجتماعی توسعه روابط و حسن تعامل رمز همبستگی و اتحاد است. تشکل‌ها از طریق توسعه و بهبود روابط اجتماعی و حسن تعامل درونی با اعضا و حسن تعامل بیرونی با مخاطبان و جامعه هدف، زمینه‌های همبستگی و مشارکت و همراهی را فراهم می‌سازند. به همین دلیل، توسعه روابط و حسن تعامل می‌تواند به عنوان یک عامل قدرت‌زا برای تشکل‌های مهدوی محسوب گردد.

در این پژوهش پس از تبیین ماهیت قدرت و عناصر آن، عوامل قدرت‌آفرین از منظر قرآن مورد شناسایی و تبیین قرار می‌گیرد. با بررسی‌های انجام شده در تعالیم قرآنی، برخی از عوامل مؤثر بر قدرت تشکل‌های مهدوی ارائه می‌شود:

### ۱. ایمان و اعتماد به خدا

برخی از عوامل قدرت در تشکل‌های مهدوی در زمره عوامل معنوی قرار می‌گیرند. متأسفانه در بسیاری از مطالعات انجام شده در مورد قدرت، اهمیت عوامل معنوی را نادیده گرفته و به



آن توجه ندارند. در واقع بحث در زمینه عوامل ماورای طبیعی در قدرت را ناچیز و بی ارزش تلقی می کنند. علت این بی توجهی آن است که عوامل ماورائی را به جادو، سحر و از این قبیل موارد اطلاق می کنند (نبوی، ۱۳۷۹: ص ۱۵۸)؛ در حالیکه عوامل ماورای طبیعی، عوامل معنوی را نیز شامل می شوند. برای کسب این عوامل معنوی می توان از تعالیم وحیانی بهره جست و با ایجاد بسترهای لازم، زمینه ایجاد و این عوامل و استفاده از آن ها را در قدرت برای تشکل های مهدوی مهیا کرد. یکی از این عوامل معنوی ایمان و اعتماد به خداوند متعال است. در این خصوص خداوند متعال در قرآن می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى الْقِتَالِ إِن يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِن يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ\* إِنَّ اللَّهَ خَفِيفٌ عَلَيْنَا وَ عَلِيمٌ إِنَّ فِيكُمْ صَغْفًا فَإِن يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَ إِن يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾. ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هر گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می گردند چرا که آن ها گروهی هستند که نمی فهمند\* هم اکنون خداوند از شما کم کرد، و دانست که در شما ضعفی است بنا بر این، هر گاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می شوند و اگر یکهزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد! و خدا با صابران است (انفال: ۶۵-۶۶).

به استناد آیات شریفه، اعتماد و ایمان به خداوند از عوامل ایجاد قدرت محسوب می شود. بنابراین، تشکل های مهدوی با تقویت ایمان و اعتماد به خدا در کنش های خود، ظرفیت بهره مندی از این قدرت معنوی را مهیا می سازند. به استناد روایاتی که ویژگی یاوران مهدوی را بیان می کند، افرادی که در جهت مأموریت مهدوی فعالیت می کنند، دارای ایمانی راسخ هستند که موجب قوت قلب و پیراستگی از انحرافات در آنان می شود. «رَجَالٌ... لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي دَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۰۸). این ویژگی منبعث از ایمان و اعتقاد آن ها است که موجب می شود در رویارویی با مسائل ثابت قدم و از گزند پلشتی ها در امان بمانند. تجلی ایمان و اعتماد به خداوند متعال در کنش های جمعی که توسط تشکل های مهدوی صورت می گیرد، زمینه بروز و ظهور هم افزایی را در آن ها مهیا می سازد.

## ۲. گفتمان‌سازی

«گفتمان‌سازی» موجب شکل‌دهی به افکار عمومی، نهادینه‌سازی ارزش‌های مهدوی، و ترویج هنجارهای اجتماعی در اندیشه مهدویت می‌شود. گفتمان‌ها در زمره قدرت نرم قرار می‌گیرند و زمینه هدایت افکار و اندیشه‌های مخاطبان می‌شوند. تشکل‌های مهدوی در صورتی که از قدرت گفتمان‌سازی برخوردار باشند، به سهولت امکان مقابله با تهدیدها و موانع را خواهند داشت. گفتمان‌سازی در تشکل‌های مهدوی علاوه بر این‌که موجب افزایش قدرت آن‌ها در کنش‌های فرهنگی و اجتماعی آنان می‌شود، مشروعیت و اعتبار آن‌ها در جوامع را به دنبال خواهد داشت. آیه شریفه «وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (نور: ۵۴)؛ اشاره به تولید گفتمان دارد. این آیه وظیفه پیامبر را رساندن پیام آشکار به مردم برمی‌شمارد. ایصال پیام همان گفتمان است. در تعالیم اسلامی، دعا به عنوان یک سازکار مهم برای گفتمان‌سازی محسوب می‌شود. در همین زمینه در برخی از دعاها چنین بیان می‌شود: «وَاسْتَنْقِذْ بِهٖ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الدُّلِّ وَانْعَشْ بِهٖ الْبِلَادَ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۱۴). در برخی روایات نیز به وجود قائم اشاره شده است: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمُهْدِي» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵، ص ۱۵۶). بیان این عبارت‌ها زمینه توسعه گفتمان‌های مهدوی را در جامعه شکل می‌دهد. تشکل‌های مهدوی نقش مهمی در تولید و توسعه گفتمان‌های مهدوی در جامعه دارند. آن دسته از تشکل‌هایی که قدرت گفتمان‌سازی بیش‌تری دارند، به مراتب از قدرت بیش‌تری در جامعه برخوردارند. اهمیت موضوع و نقش گفتمان در اعمال نفوذ و تأثیرگذاری بر کسی پوشیده نیست و امروزه به عرصه رقابتی بین گروه‌های مختلف تبدیل شده است. در این زمینه نقش ابزارها و رسانه‌ها را نمی‌توان در تولید و توسعه گفتمان نادیده گرفت. گفتمان‌های غالب، زمینه مشارکت و همراهی بیش‌تری از آحاد افراد جامعه را به همراه خواهند داشت. بنابراین، تشکل‌های مهدوی از طریق گفتمان‌سازی می‌توانند بستر مشارکت و همراهی بیش‌تری برای خود فراهم سازند. از سوی دیگر، توسعه گفتمان‌های مهدوی که توسط تشکل‌های مهدوی صورت می‌گیرند، از قدرت بیش‌تری برای ترویج فرهنگ و معارف مهدوی در جامعه برخوردارند. تشکل‌های مهدوی به عنوان یاوران حضرت در عصر غیبت و مهیاسازی زمینه‌های ظهور باید جامعه را آماده سازند. آمادگی جامعه در صورتی محقق می‌شود که آحاد جامعه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آشنا شوند و نوعی



ارتباط قلبی و درونی با ایشان برقرار کنند. لازمه این آشنایی و ارتباط، ایجاد گفتمان مهدوی در جامعه است. به عبارتی دیگر، به منظور تبدیل افراد جامعه به انصارالمهدی عَلَيْهِ السَّلَام که در روایات به آن اشاره شده است (همان، ج ۵۷، ص ۲۲۹)؛ باید گفتمان مهدوی را ایجاد کرد. این گفتمان سازی عاملی برای قدرت در تشکل‌ها محسوب می‌شود.

### ۳. اتحاد و همبستگی گروهی

یکی از عواملی که موجب قدرت آفرینی می‌شود؛ ایجاد همبستگی و اتحاد بین اعضای یک تشکل و گروه می‌باشد. تشکل‌های مهدوی نیز به عنوان یک گروه از این قاعده مستثنا نیستند. وقتی اعضای تشکل‌های مهدوی با هم متحد می‌شوند، از قدرت جمعی برخوردار می‌شوند. قدرتی که دارای پشتوانه گروه باشد، به مراتب تأثیر بیشتری دارد. امیرمؤمنان، امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ؛ دست خداوند با جماعت است و از تفرقه برحذر باشید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷). در این بیان، جماعت گروهی از افراد هستند که برای تحقق هدفی معین با هم تشریک مساعی دارند. گروه زمانی از قدرت برخوردار می‌شود که بین اعضای آن اتحاد و همبستگی وجود داشته باشد. در روایتی از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام به مالک چنین نقل شده است: «يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۱۵). اجتماع و همبستگی از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌های یاوران حضرت می‌باشد. محور این اجتماع و همبستگی بر اساس روایات، قرآن، سنت نبی مکرم اسلام و ولایت امیرالمؤمنین، امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌باشد. چنان‌که نقل شده است: «يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ» (بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۶۷۶). در واقع تشکل‌های مهدوی به پیروی از فرهنگ مهدوی با همبستگی و الفت میان افراد، زمینه قدرتمندی تشکل‌های مهدوی را فراهم می‌سازند. در این خصوص امیرالمؤمنین، امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در توصیف ویژگی‌های حضور حضرت می‌فرماید: «يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ؛ خداوند، یاران ایشان را بر محور یک امر قرار می‌دهد» (ابن ابی زینت، ۱۳۹۷: ص ۲۰۶). این اجتماع بر حول یک محور و امر واحد موجب همبستگی و الفت بین اعضای تشکل‌های مهدوی می‌شود و در نتیجه باعث تأثیرگذاری بیش‌تر بر افراد و نگرش مخاطبان می‌شود. در مقابل، اختلاف و تشتت موجب اضمحلال قدرت در تشکل‌های

مهدوی می‌شود. در آیه شریفه در زمینه تأثیر اختلاف و تشتت می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾؛ «با هم نزاع و کشمکش نکنید؛ زیرا سست می‌شوید و قدرت و شوکت شما از میان می‌رود» (انفال: ۴۶). اختلاف و افتراق عامل افول و زوال قدرت در تمام مجموعه‌های منسجم و متحد می‌باشد و بالتبع بروز اختلافات و تشتت‌های میان گروهی موجب زوال و ناکارآمدی و تضعیف قدرت در تشکل‌های مهدوی می‌گردد. اجرای هرگونه سیاست و اقدام به منظور توسعه فرهنگ مهدوی در جامعه به کنشگری جمعی نیازمند است. کنش‌های جمعی وقتی در قالب تشکل بروز می‌یابند، به فضایی آکنده از همبستگی و اتحاد نیازمند هستند؛ زیرا ماهیت اجتماعی آن‌ها مرهون همین همبستگی و اتحاد است.

#### ۴. توسعه روابط و حسن تعامل

یکی از مظاهر قدرت در عرصه‌های اجتماعی، توسعه روابط و حسن تعامل است. بستر فعالیت تشکل‌های مهدوی، اجتماعات انسانی است و اساس و بنیان شکل‌گیری جوامع ارتباط و تعامل است. امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام می‌فرماید:

عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاضُعِ وَالتَّبَادُلِ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ؛ بر شما باد به پیوند و ارتباط با هم و بخشش مال و از پشت کردن به همدیگر و قطع ارتباط پرهیز کنید (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

محور بسیاری از تعالیم اسلامی به بهبود تعاملات و روابط انسانی ناظر است. به همین دلیل بر حسن تعامل در ارتباطات تأکید می‌ورزد. چنانچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین روایت شده است: «فَالْقَوْمُ بِطَلَاقِهِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْبِشْرِ؛ با رویی گشاده و نیکو مردم را ملاقات کنید» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۱۰۴). گشاده‌رویی و خلق نیکو نوعی سیاست کلان و کاربردی در سیره معصومان علیهم السلام است که رهروان مکتب آنان نیز به این سیره پای‌بند بوده و همواره از ظرفیت‌های آن در تعاملات و روابط اجتماعی بهره می‌جستند. حسن تعامل با مخاطب زمینه نفوذ بر اعماق جان و دل را مهیا می‌سازد و اعتماد مخاطب را به همراه دارد. ارتباطی که با حسن تعامل توأم باشد، زمینه‌های اثربخشی ارتباطات را فراهم می‌سازد. امام صادق علیه السلام در خصوص ویژگی دولت مهدوی می‌فرماید:



إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ الْحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ به راستی برای ما دولتی است که هر زمان خداوند بخواهد، آن را محقق می‌سازد و آن‌گاه فرمودند: هر کس دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم باشد، باید منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند؛ در حالی که منتظر است (حرعاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۱۵۹).

حسن خلق و تعامل نیکو ویژگی ممتاز دولت منتظران مهدوی است و این ویژگی نه تنها به عنوان یک صفت ویژه برای دولت مهدوی، بلکه به عنوان یک عامل در توسعه و تقویت روابط اجتماعی تأثیرگذار است. توسعه روابط و حسن تعامل نقش محوری در مدیریت اذهان و افکار عمومی دارد. تشکل‌هایی که روابط اجتماعی‌شان مبتنی بر حسن تعامل و توسعه روابط شکل می‌گیرد؛ دارای قدرت و نفوذ اجتماعی بیش‌تری هستند. تشکل‌های مهدوی از طریق توسعه روابط و حسن تعامل با مخاطبان و جامعه هدف زمینه استقبال و پذیرش عمومی در جامعه را برای خود مهیا می‌سازند. اعضای تشکل‌های مهدوی وقتی با خوش‌رفتاری و حسن تعامل به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مبادرت می‌ورزند، آرامشی برای مخاطبان خود به همراه دارند که همان موجب پذیرش و همراهی مخاطبان با نگرش‌ها و بینش‌های تشکل‌های مهدوی می‌شود. در مقابل، هرگونه رفتارهای نامناسب می‌تواند زمینه‌های انزجار و دوری از تشکل‌های مهدوی را موجب شود. چنان که در قرآن، خطاب به پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران: ۱۵۹). استفاده از ظرفیت روابط حسنه نقش مهمی در ایجاد و توسعه قدرت اجرا می‌کند.

توسعه روابط و حسن تعامل، علاوه بر این‌که زمینه پذیرش عمومی را برای تشکل‌های مهدوی مهیا می‌سازد؛ موجب انسجام و اتحاد اعضای تشکل‌های مهدوی می‌شود. وجود روابط حسنه در بین اعضای گروه موجب می‌شود تا تشکل‌های مهدوی از انسجام درونی برخوردار شوند و این انسجام همچون دژی مستحکم در برابر مشکلات و رفع آن عمل می‌کند. بنابراین، توسعه روابط و حسن تعامل در تشکل‌های مهدوی هم کارکرد بیرونی برای آن‌ها دارد و هم کارکرد درونی.



## ۵. دانش و تخصص

برخی براین پندارند که رمز موفقیت تشکل‌ها در تأمین منابع مالی برای اجرای فعالیت‌ها می‌باشد. به همین دلیل، ویژگی تشکل‌های موفق را در تأمین و دستیابی به منابع مالی برمی‌شمارند. براساس تعالیم و حیانی؛ آنچه موجب قدرت و موفقیت است، برخورداری از دانش و تخصص می‌باشد. در این خصوص خداوند با اشاره به داستان طالوت و ویژگی آن برای مقابله با دشمن چنین می‌فرماید:

«وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ و پیامبرشان به آن‌ها گفت: خداوند (طالوت) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است. گفتند: چگونه او بر ما حکومت کند، با این‌که ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟! گفت: خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد و احسان خداوند، وسیع است و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است (بقره: ۲۴۷).

در آیه شریفه یکی از عوامل قدرتمندی در طالوت را، بهره‌مندی وی از علم برمی‌شمارد. در روایتی از امام علی علیه السلام در خصوص منش علمی در اندیشه و تفکر مهدوی می‌فرماید: «فَتَدَاوَيْتُمْ مِنَ الْعَمَى وَالصَّمَمِ وَالْبُكْمِ؛ شما را از کوری، کری و گنگی نجات می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۵، ص ۱۵). این محقق نخواهد شد، مگر از طریق اتصاف به دانش و تخصص. در بسیاری از احادیث به این واقعیت اشاره می‌شود که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف با قدرت‌های علمی مغزها را متوجه خود می‌کند و علما و دانشمندان جهان به او ایمان می‌آورند (بی‌نام، ۱۳۸۵: ص ۲۳۴). امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ وَ قَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ؛ گویی می‌بینم که یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف جهان را محاصره کرده‌اند و همه موجودات مطیع و فرمانبردار آن‌ها هستند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۲۷).

تشکل‌های مهدوی نیز به عنوان یاوران موعود در زمان غیبت که رسالت آماده‌سازی جامعه برای ظهور و حمایت از حضرت را برعهده دارند؛ به دانش و تخصصی نیازمند هستند که



براساس آن احاد افراد جامعه را بر حول محور اندیشه‌های مهدوی گردآورند. امروزه با رشد گروه‌ها و تشکل‌های مختلف و متعدد، آن دسته از تشکل‌هایی که توان فعالیت‌های تخصصی و حرفه‌ای را دارند، بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرند. ارائه خدمات تخصصی موجب شکل‌گیری فضای رقابت در فعالیت تشکل‌ها و گروه‌های مختلف می‌شود. از این‌رو، آن دسته از تشکل‌های مهدوی که از دانش و تخصص لازم برای ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی برخوردارند، از مزیت رقابتی بهره‌مند گشته و برای کارآمدی در حوزه‌های تخصصی قدرت بیش‌تری دارند. از سوی دیگر، تحولات محیط فرهنگی و اجتماعی موجب می‌شود تا تشکل‌ها از حالت یکنواختی و ایستا بودن رها گشته و زمینه بروز تغییرات عمده در خود را مهیا سازند. لازمه این تغییرات برخورداری از دانش و تخصص لازم برای انطباق با محیط فرهنگی و اجتماعی است.

«علم» عامل موفقیت و کسب مزیت رقابتی است. تشکل‌های مهدوی با کسب علم و دانش زمینه بروز فعالیت‌های تخصصی در حوزه مأموریتی خویش را مهیا می‌سازند. از این‌رو، کسب علم و دانش یکی از عوامل قدرت‌آفرین در تشکل‌های مهدوی محسوب می‌شود. تأثیر علم و دانش در قدرت را می‌توان در سخنان امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام نیز ملاحظه کرد:

الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالٍ بِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلٍ عَلَيْهِ؛ علم قدرت و دست برتر است، کسی که آن را به دست آورد، قدرتمند می‌شود و کسی که آن را از دست بدهد بر او تفوق می‌یابد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۳۱۹).

با توجه به این حدیث، تشکل‌های مهدوی به منظور کسب قدرت و افزایش توان تأثیرگذاری در حوزه مأموریتی خویش، به افزایش سطح دانش و تخصص خود نیازمند می‌باشند. در روایتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل شده است:

يُفْتَحُ حُصُونُ الصَّلَاةِ وَ قُلُوباً غُفْلًا؛ حصارهای گمراهی را می‌گشاید و دل‌های غفلت زده را بیدار می‌کند (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ص ۶۴).

زدودن گمراهی و بیدارسازی زمانی میسر است که دانش در جامعه رواج یابد. تشکل‌های مهدوی با توسعه دانش و تخصص زمینه‌های غفلت‌زدایی و آگاه‌سازی را در جامعه مهیا می‌سازند. تشکل‌های مهدوی به منظور توسعه کنش‌های فرهنگی و اجتماعی نیازمند توسعه دانش و تخصص می‌باشند. براین‌د، ایجاد قدرت برای تشکل‌های مهدوی خواهد بود.

## نتیجه‌گیری

پس از بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، قدرت در تشکل‌های مهدوی در چهار بُعد قرار می‌گیرد که هر یک از این ابعاد نقش و تأثیر قابل توجهی در موفقیت تشکل‌های مهدوی دارند. این ابعاد چهارگانه عبارتند از:

۱. **قدرت معنوی:** «قدرت معنوی» در تشکل‌های مهدوی به ایمان و اعتقادات اعضا اشاره دارد. این قدرت بیانگر ایمان راسخ و عمیق اعضای تشکل‌های مهدوی به وعده الهی و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت و ایجاد انگیزه و تکاپو در فعالیت‌های تشکل‌های مهدوی باشد. به همین دلیل، این بُعد از قدرت تشکل‌های مهدوی با ارتباط وثیق با خدا از طریق دعا و نیایش آمیخته می‌باشد. این قدرت می‌تواند تحت تأثیر بعد دیگری از قدرت در تشکل‌های مهدوی، یعنی قدرت علمی باشد؛ زیرا قدرت علمی زمینه تقویت باورهای معنوی در تشکل‌های مهدوی را مهیا می‌سازد. قدرت معنوی در تشکل‌های مهدوی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش روحیه کنشگری جمعی و اطمینان خاطر در مصاف ناملازمات و سختی‌های فراروی فعالیت‌های تشکل‌های مهدوی باشد. قدرت معنوی که بر پایه اعتقادات و ایمان اعضای تشکل شکل می‌گیرد، می‌تواند موجب هم‌افزایی در تشکل‌های مهدوی گردد.

۲. **قدرت اجتماعی:** «قدرت اجتماعی» به توانایی تشکل‌های مهدوی در تأثیرگذاری بر جامعه و جذب افراد و استقبال از کنشگری‌های مهدوی در عرصه‌های اجتماعی اشاره دارد. قدرت اجتماعی تشکل‌های مهدوی ظرفیت فوق‌العاده‌ای برای ایجاد شبکه‌های مهدوی دارد. امروزه نقش و کارکرد شبکه‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماعی غیر قابل انکار است. شبکه‌های مهدوی ظرفیت کنشگری فراوانی برای توسعه و گسترش فرهنگ مهدوی در جامعه دارند. قدرت اجتماعی تشکل‌های مهدوی حکایت از توسعه روابط و همبستگی بین افراد و اعضای تشکل دارد. برآیند این قدرت را می‌توان در همدلی‌ها، همبستگی‌ها و مشارکت‌های اجتماعی و کنشگری‌های جمعی مشاهده کرد. قدرت اجتماعی را می‌توان از سرمایه‌های اجتماعی برای تشکل‌های مهدوی برشمرد؛ زیرا موجب تسهیل همکاری‌های مشترک در جامعه



می‌شود. تبلور قدرت اجتماعی در تشکل‌های مهدوی موجب تقویت قدرت سیاسی در تشکل‌های مهدوی می‌شود.

۳. **قدرت سیاسی:** «قدرت سیاسی» به توانمندی‌های تشکل‌های مهدوی در تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های عمومی اشاره دارد. قدرت سیاسی زمینه تأثیرگذاری بر فعالیت‌های سیاسی، تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت‌های مدنی را مهیا می‌سازد. تشکل‌های مهدوی با استفاده از قدرت سیاسی می‌توانند بستر مشارکت مدنی در جامعه را افزایش دهند و همچنین ارزش‌های مهدوی را در جامعه ترویج کنند.

۴. **قدرت علمی:** «قدرت علمی» به دانش و تخصص تشکل‌های مهدوی برای کنش‌های حرفه‌ای اشاره دارد. این قدرت موجب پویایی تشکل‌ها و ارائه خدمات حرفه‌ای می‌شود. دانش و تخصص مهم‌ترین منبع راهبردی در جوامع امروزی محسوب می‌شود. تشکل‌های مهدوی در جهت انطباق‌پذیری با جامعه و نیازهای آن نیازمند کسب قدرت علمی می‌باشند.

قدرت در گروه‌های مهدویت به نوعی در گرو ابعاد معنوی، اجتماعی، سیاسی و علمی است. هم‌پیوندی این ابعاد چهارگانه قدرت در تشکل‌های مهدوی می‌تواند آثار عمیقی بر جامعه و افراد ایجاد کند. تشکل‌های مهدوی با تکیه بر این قدرت‌ها می‌توانند به ایجاد تغییرات مثبت و فرهنگ‌سازی در راستای مهدویت کمک کنند.



## منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ق). *التوحید (للسدوق)*، قم، جامعه مدرسین.
۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، دارالکتب اسلامیة.
۳. ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید*، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۵. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه نعمانی*، تهران، نشر صدوق.
۶. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۳۷۴). *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثه.
۷. بی نام (۱۳۸۵). *معارف مهدوی*، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم.
۸. پورتر، لیمن دبلیو، انگل، هارولد ال، الن، روبرت دبلیو (۱۳۹۳). *قدرت، سیاست و نفوذ رو به بالا در سازمان*، تهران، صفار.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت، اعلمی.
۱۰. خزاززای، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، قم، بیدار.
۱۱. خنیفر، حسین، مسلمی (۱۳۹۶). *اصول و مبانی روش های پژوهش کیفی رویکردی نو و کاربردی*، تهران، نگاه دانش.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه (للمصباحی صالح)*، قم، هجرت.
۱۴. شعیری، محمد بن محمد (بی تا). *جامع الأخبار (لشعیری)*، نجف، مطبعه حیدریه.
۱۵. فیوضات، ابراهیم، مهدوی، مهدی (پاییز و زمستان ۱۳۸۵). *دولت و تشکل های مردمی* (با مروری بر دو تجربه تعاونی ها و صنوق های قرض الحسنه)، مجله علوم اجتماعی، شماره ۸، ص ۸۳-۱۰۴.



۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الكافي*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت، احیاء التراث العربی.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۹. محمد پور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش*، تهران، انتشارات جامعه شناسان.
۲۰. معین، محمد (۱۳۸۸). *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
۲۱. مورهد، گریگوری، گریفین، ریکی (۱۳۹۲). *رفتار سازمانی*، مترجم: سید مهدی الوانی، غلامرضا معمارزاده، تهران، مروارید.
۲۲. نبوی، عباس (۱۳۷۹). *فلسفه قدرت*، تهران، سمت.
23. Charmaz, Kathy (2006). *Constructing Grounded Theory A Practical Guide Through Qualitative Analysis*, London, SAGE Publications.